

# پدیده‌ی رُزی

(رُمان)

گرام سیمسیون ♦ ترجمه‌ی مهدی نسرین

یادداشت مترجم

رُزی و سیمسیون

تألیف گرام سیمسیون

ترجمه مهدی نسرین

پروفسور تلمن، نویسنده این کتاب، در فصل کاملاً جامعی دارد هم با کلمات  
بازی می‌کند. به همین دلیل عنوان انگلیسی آن The Rosie Effect را گذاشتام پدیده  
رُزی که هم یادآور پدیده‌ی رُزی (Rosie) است و هم حرفی  
مشترکی با کلمه‌ی «روز» دارد که در عنوان قسمت اول این مجموعه به کار  
رفته است. به این ترتیب سیمسیون به این نتیجه می‌رسد که effect هم  
تا حدی جفت شونده است.

ترجمه‌ی طرانت‌ها (The Rosie Effect) من از هم‌فکری و پیشنهادهای نسیم  
ادب و سبایش شمنانور بسیار استفاده کردم و از هر دو خیلی ممنونم. از  
رشد جملاتی و عباراتی که در این کتاب به کار رفته است و از سبک نگارش و  
ویزاستاری کتاب بسیار ممنونم. امیدوارم این کتاب را دوست داشته باشید و  
بسیار از آن لذت ببرید.



نشر مرکز

جمعه‌ها برنامه‌ی آب پرتقال نداشتیم. من و رزی برای این که تجربه‌هایمان بوی تکرار نگردد قید سیستم غذایی استاندارد را زده بودیم که به قیمت افزایش زمان خرید، طولانی شدن بررسی مواد غذایی و اسراف غذا تمام شده بود؛ هر چند قرار گذاشته بودیم سه روز در هفته الکل استعمال نکنیم. همان‌طور که برایم مسجل بود، در غیاب برنامه‌ریزی مشخص، رسیدن به این هدف آن‌قدرها هم سهل نبود. نهایتاً رزی متوجه منطق راه حل من شد.

واضح بود که جمعه‌ها و شنبه‌ها نمی‌توانستند روز عدم استعمال الکل باشند. هیچ‌کدام مان‌آخر هفته کلاس نداشتیم. می‌شد تا پاسی از شب بیدار بمانیم و اگر خدا خواست جفت‌گیری هم بکنیم.

هر چند به صراحت درباره‌اش صحبت نکرده بودیم، برنامه‌ریزی برای جفت‌گیری مطلقاً راه نداشت، گو این که من کم‌کم متوجه سیری از وقایع شده بودم که جفت‌گیری را تسریع می‌کرد: خرید کلوچه‌ی تمشکی از شیرینی‌فروشی بلو اسکای، بالا انداختن سه شات اسپرسو در کافه اوتا، درآوردن پیراهنم و تقلید ادای گریگوری پک در نقش آتیکوس فینچ در فیلم کشتن مرغ مقلد. به تجربه آموخته بودم که هر بار هر چهار کار را به ترتیب انجام ندهم، چرا که آن وقت دستم رو می‌شد. برای این که ماجرا پیش‌بینی‌ناپذیر باشد سکه‌ای را دو بار می‌انداختم و به تبع آن یکی از این چهار بخش را حذف می‌کردم.